

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رسایفت**

سال هجدهم، شماره ۶۶، بهار ۱۴۰۳
صفحه ۱۸۵ تا ۲۰۴

جایگاه ارتش در تأمین امنیت ملی ایران در دهه اول انقلاب اسلامی (۱۳۶۷-۱۳۵۷)

جعفر سعادت‌ی رازیان / دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی گروه روابط بین الملل
پرویز احدی / دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، علوم انسانی گروه حقوق و روابط بین الملل (نویسنده مسئول)
parvizahadi@gmail.com

محمد یوسفی جویباری / دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، حقوق و الهیات و علوم سیاسی، روابط بین الملل
یعقوب سلامتی / دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب - علوم انسانی - حقوق و روابط بین الملل
چکیده

هدف از نوشتار، آگاهی از جایگاه و نقش ارتش در تأمین امنیت ملی کشور طی دهه اول پراشوب انقلاب اسلامی است. پس از پیروزی انقلاب، نوعی بی‌اعتمادی عمیق نسبت به ارتش وجود داشت که به پاکسازی گسترده آن انجامید. بر این اساس، سؤال پژوهش این است که ارتش ج.ا. ایران چه نقشی در تأمین امنیت ملی کشور طی دهه اول انقلاب اسلامی و در چارچوب استراتژی‌های مختلف امنیتی برعهده داشت؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه پژوهشی می‌گوید ارتش جمهوری اسلامی ایران به‌رغم آسیب‌ها و تنگناهای جدی ناشی از پاکسازی‌ها و تصویب‌های انقلابی، به دلیل وظایف ذاتی خود در تأمین امنیت کشور و آموزش و توان لجستیک بالای آن نقش تأثیرگذار و ماندگاری در تأمین امنیت ملی دهه اول انقلاب برعهده داشت. با الهام از امکانات نظری واقم‌گرایی و داده‌ها پژوهشی، یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که ارتش جمهوری اسلامی ضمن جلب اعتماد نیروهای انقلاب، با اتخاذ راهبردهای تدافعی - تهاجمی نظامی نقشی بی‌بدیل در تأمین امنیت ملی کشور در دهه اول انقلاب داشت. این تحقیق از نوع توصیفی است که داده‌های آن به روش اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

کلیدواژه: ارتش، استراتژی، امنیت ملی، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی.

تاریخ تایید: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۲

مقدمه

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ارتش به دلیل ویژگی‌های ساختاری (انضباط، سلسله‌مراتب و وفاداری به شخص اول حکومت) خود و وابستگی‌های حاکمیتی همگام با نهادهای امنیتی دیگر، نقش مهمی در تأمین امنیت ملی کشور بازی می‌کرد. با وقوع انقلاب اسلامی، به دلیل همان وابستگی‌های حاکمیتی و وفاداری به نظام سابق و بی‌اعتمادی نیروهای انقلاب - که متأثر از جنبشهای چپ مارکسیستی همگام با شوروی سابق (حزب توده، چریکهای فدایی خلق و مجاهدین خلق) - نسبت به آن، در آغاز برای تأمین امنیت ملی به حاشیه رانده شد. پس از پاکسازی‌ها و تصفیه‌های انقلابی و اعلام حمایت امام خمینی، بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی و تبدیل شدن به یک ارتش مکتبی و انقلابی، به تدریج وارد معادلات امنیتی نظام جمهوری اسلامی شد.

«امنیت ملی»^۱ مفهومی است که در عین اهمیت، دارای ابهام است. والتر لیپمن،^۲ نخستین اندیشمندی است که مفهوم امنیت ملی را به طور روشن تعریف کرد. او می‌نویسد: «یک ملت وقتی امنیت دارد که مجبور نباشد منافع مشروع خویش را برای احتراز از جنگ قربانی کند و در صورت لزوم نیز قادر باشد منافع مشروع خویش را از طریق جنگیدن حفظ کند (Berkowitz, 1992: 759). کالج دفاع ملی کانادا، امنیت ملی را به معنای «حفظ راه و روش زندگی قابل پذیرش ... برای همه مردم و مطابق با نیازها و آرزوهای مشروع شهروندان» تعریف کرده است. این امر شامل رهایی از حمله یا فشار نظامی، براندازی داخلی، و نابودی ارزش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که برای کیفیت زندگی ضروری هستند، می‌شود (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۱-۳۲). با در نظر گرفتن این تعاریف از مفهوم امنیت ملی و با لحاظ کردن تحولات انقلابی، مفهوم و ملاحظات امنیت ملی در نظام انقلابی متأثر از ارزش‌ها، هنجارها، فرایندها، ساختارها، قواعد، محیط و بازیگران جدید دچار تحول بنیادین شد. بر این اساس، در دهه نخست انقلاب دو استراتژی امنیتی بسط‌محور و حفظ‌محور متناسب با فرایند و محیط انقلابی دگرگونی‌های حاصل از آن طراحی و اجرا گردید. در آغاز، امنیت آرمانی انقلابیون حفظ نظام انقلابی را در گرو بسط آن جستجو می‌کرد که آن‌گاه جنگ تحمیلی آغاز شد به ناچار امنیت ملی را در چارچوب حفظ نظام طراحی کردند. در این میان نقش ارتش و نیروهای نظامی نیز به تبع دگرگونی در استراتژی‌های امنیتی دچار تغییر و تحول می‌شد.

¹. National Security

². Walter Lippmann

با در نظر گرفتن مقدمات فوق، مسأله این پژوهش آن است که «ارتش جمهوری اسلامی ایران چه نقشی در تأمین امنیت ملی کشور طی دهه اول انقلاب اسلامی و در چارچوب استراتژی‌های مختلف امنیتی برعهده داشت؟» در پاسخ به این پرسش، فرضیه پژوهشی این نوشتار عبارت است از اینکه «ارتش جمهوری اسلامی ایران به‌رغم آسیب‌ها و تنگناهای جدی ناشی از پاکسازی‌ها و تسویه‌های انقلابی، به دلیل وظایف ذاتی خود در تأمین امنیت کشور و آموزش و توان لجستیک بالای آن نقش تأثیرگذار و ماندگاری در تأمین امنیت ملی دهه اول انقلاب برعهده داشت». با توجه به شرایط جنگی حاکم بر دهه اول انقلاب به نظر می‌رسد، با بهره‌گیری از چارچوب تحلیلی «واقع‌گرایی» که بر نقش نیروهای نظامی در تأمین امنیت ملی در زمان تهدیدها و تهاجم‌های نظامی دشمن تأکید می‌کند، می‌توانیم به نقش ارتش در تأمین امنیت ملی در این دوره واقف شویم. ضمن این‌که بررسی ادبیات پژوهش که در متن پژوهش به آن پرداخته شده است، نشان می‌دهد تا کنون پژوهش مستقل و مستدلی درباره نقش ارتش در تأمین امنیت ملی کشور در دهه نخست انقلاب پرداخته است.

هدف از انجام این پژوهش، درک جایگاه ارتش در فرایند تأمین امنیت ملی کشور در سال‌های پر آشوب اول انقلاب و دوران بحرانی جنگ تحمیلی است. با توجه به مسأله پژوهش و فرضیه مورد نظر، تحقیق حاضر در زمره تحقیقات کاربردی - توسعه‌ای است که به روش توصیفی - تحلیلی و از نوع موردی - زمینه‌ای به بررسی موضوع پرداخته است. روش گردآوری داده‌ها نیز به روش کتابخانه‌ای و اسنادی است.

چارچوب نظری: امنیت ملی از منظر واقع‌گرایان

واقع‌گرایان، بر این باورند که سیاست یعنی جنگ قدرت و سیاست بین‌الملل نیز جستجوی همان هدف در سطح بین‌المللی می‌باشد. توماس هابز،^۱ از اندیشمندان واقع‌گرای کلاسیک، امنیت را در مرجع قدرتی به نام لویاتان (دولت) جستجو می‌کرد و معتقد بود «هدف و غایب یا خواست نهایی آدمیان از ایجاد محدودیت بر خودش که همان زندگی در درون دولت است» تأمین امنیت بوده است (هابز، ۱۳۸۹: ۱۸۹) و هانس مورگنتا،^۲ پدر واقع‌گرایی مدرن نیز دولت‌ها را بازیگران اصلی در سیاست بین‌الملل به شمار می‌آورد و بر «مسائل نظامی» تأکید می‌کرد (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۳۲۱). بنابراین، بر اساس چنین برداشتی از سیاست بین‌الملل، امنیت مفهومی نظامی به خود گرفته و منبع تهدید آن نیز عوامل خارجی محسوب می‌شوند و مهم‌ترین ابزار

1. Thomas Hobbes

2. Hans Joachim Morgenthau

تأمین آن نیز سرمایه‌گذاری و تمرکز بر بخش‌های نظامی و استراتژیک و توسعه و گسترش نیروهای مسلح می‌باشد. ادعای این نظریه‌پردازان آن است که دولت به مقتضای نیازهای امنیت نظامی علیه تهدیدات خارجی پدید آمده است. علاوه بر این، این گروه از متفکران معتقدند که در طول تاریخ حتی یک دولت را نمی‌توان یافت که در محیط خارجی خود با تهدیدات امنیتی روبرو نبوده باشند. به همین دلیل، دولت‌ها برای دفع تهدیدهای امنیتی به اقدامات نظامی و تجهیز و گسترش ارتش‌ها و نیروهای نظامی آموزش دیده متوسل می‌شوند.

از نظر جوزف نای و رابرت کوهن، هدف اصلی دولت‌ها به عنوان مهم‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل، تأمین امنیت نظامی در برابر تهدیدهای خارجی است، و مهم‌ترین ابزار سیاست دولت‌ها در جهت تأمین امنیت ملی، نیروی نظامی است، هرچند از ابزارهای دیگر نظیر ابزار اقتصادی نیز ممکن است استفاده کند (Keohane & Nye, 1977: 33). بنابراین، امنیت ملی از مفاهیم اصلی نظریه واقع‌گرایی است. از نظر آن‌ها، تحلیل‌ها باید، حول این مسأله دور بزند که دولت‌ها چگونه مشکل ناامنی (که غالباً ناشی از تهدید یا حمله نظامی خارجی است) را مدیریت و مهار کنند.

به تعبیر استفان والت^۱، مطالعات امنیتی به عنوان مطالعه تهدید، استفاده و کنترل نیروی نظامی تعریف می‌شود. از نظر او، امنیت بیش از آن که در برابر قدرت مطرح شود، در برابر تهدید مطرح می‌شود. تهدید و نه قدرت در قلب نگرانی‌های امنیتی دولت‌ها قرار دارد و بر این اساس دولت‌ها ضرورتاً از قدرتمندترین دولت نمی‌ترسند، بلکه از دولت‌های می‌ترسند که بیش از سایر دولت‌ها تهدیدآمیز جلوه کند. تهدید به نوعی خود، تابعی از مجاورت جغرافیایی، توانمندی‌های تهاجمی، نیت و مقاصد تجاوزکارانه و در مجموع قدرت یم دولت است. درک نیت و مقاصد واقعی دولت‌ها دشوار است و بعلاوه نیت و مقاصد دولت‌ها ممکن است تغییر کند (Walt, 1987: 28). در نتیجه، دولت‌ها، چندان رفتار تهاجمی از خود نشان نمی‌دهند و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آنها وجود دارد، نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش نیز اغلب تنها در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر و از میان برداشتن کانون تهدید است (مشیرزاده، ۱۳۸۴، ۱۳۳).

در مورد این که مصادیق و شاخص‌های جاری امنیت ملی کشورها چه می‌باشند، بستگی به نظر سیاستگذاران و تصمیم‌گیران اصلی هر کشور و البته شرایط و موقعیت داخلی و بین‌المللی آن دارد. مقوله‌های چون بقای نظام سیاسی، فقدان تهدید خارجی از سوی نیروهای متجاوز،

^۱. Stephen M. Walt

فقدان اعتراضات سیاسی مخرب، و انسجام و یکپارچگی ملی اهدافی‌اند که معمولاً همه دولت‌ها آنها را در چارچوب امنیت ملی خود مورد پی‌گیری قرار می‌دهند. با توجه به این مقدمات نظری، در ادامه به سیاست‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی پرداخته می‌شود تا از این رهگذر قادر به درک بهتر الگوی امنیتی دهه نخست انقلاب و نقش ارتش در تأمین آن باشیم.

۱. اهمیت ارتش در استراتژی امنیت ملی

از نظر واقع‌گرایان، امنیت ملی هر کشوری با قدرت نظامی استراتژی‌های امنیت ملی کشور سنجیده می‌شود. در دنیای جدید، نیز هرچند قدرت نظامی به تنهایی تضمین‌کننده امنیت ملی کشورها نیست، اما در کنار سایر ابزارهای غیرنظامی، قدرت دفاعی با رویکرد نظامی کماکان دارای ارزش است. مفهوم استراتژی بیش از هر حوزه در ادبیات نظامی شناخته شده و به کار رفته است. استراتژی به از واژه یونانی «استراتگوس» به معنای فن فرماندهی، فن اداره جنگ و یا طرح و نقشه برای جنگ گرفته شده است. کلاوزویتس^۱ استراتژی را فن تدارک جنگ‌ها و ترسیم طرح‌ها و نقشه‌های کلی برای جنگ می‌داند (علینقی، ۱۳۸۱: ۳۲۰). مفهوم جنگ و طراحی جنگی در کانون این تعریف قرار دارد. برخی دیگر، استراتژی را بهره‌گیری از توان و امکانات نظامی در جهت رسیدن به اهداف سیاسی معنا می‌کنند. آندره بوفر^۲، استراتژی را هنر به کار بردن زور می‌داند، به نحوی که این زور بتواند تا حد امکان بیشترین نتیجه را در رسیدن به اهداف سیاسی به بار آورد (بوفر، ۱۳۶۶: ۳۰). لیدل هارت^۳ نیز استراتژی را هنر توزیع و به کارگیری وسایل نظامی برای دستیابی به اهداف سیاسی می‌داند (سنجابی، ۱۳۷۵: ۱۴). وجه مشترک همه این تعریف‌ها، تأکید بر عنصر سخت‌افزاری و نظامی است.

از نظر جان ام. کالینز^۴ استراتژی ملی ابزاری برای تأمین امنیت است. از این نگاه، در بالاترین سطوح، علایق امنیت ملی پایه‌های یک استراتژی خوب را تشکیل می‌دهد. کالینز، استراتژی بزرگ را چنین تبیین می‌کند که «استراتژی بزرگ عبارت است از فن و علمی که قدرت ملی را تحت تمام شرایط، به منظور کنترل طرف مقابل به اندازه و طریق مورد نظر یا به کار بردن تهدید، نیروهای مسلح، فشار غیرمستقیم، سیاست، طفره و گریز و سایر ابزارهای قابل تصور بسیج می‌کند و بدین وسیله علایق و مقاصد امنیت ملی را برآورده می‌سازد» (کالینز،

1. Clausewitz

2. André Beaufre

3. Liddell Hart

4. John M Collins

۱۳۷۵: ۴۶). بر مبنای این تعریف، استراتژی ابزاری است که هدف آن تضمین بقای واحد تحلیل یعنی دولت، سرزمین یا ملت است. برآیند این رویکرد به مفهوم استراتژی در سطح ملی، برقرار کردن پیوند تام و تمام میان مفهوم استراتژی و امنیت است. رفتار و کنشی استراتژیک به شمار می‌آید که معطوف به امنیت ملی باشد.

از این منظر، همگام با اقدامات دستگاه دیپلماتیک کشور، سازمان دفاعی هر کشور نیز می‌تواند با انجام اقداماتی از قبیل پیمان‌های دفاعی دوجانبه و همکاری علمی و فنی نظامی با دیگر کشورها تعامل داشته باشد تا به این طریق از پیوستن آن کشورها به صف دشمنان جلوگیری به عمل آورد (غفوری، ۱۳۸۶: ۱۹). این استراتژی در جهت تأمین امنیت ملی کشور است. بنابراین، قدرتمندترین و به عبارت دیگر امن‌ترین دولت‌ها، آنهایی هستند که استراتژی نظامی آن‌ها در زمان صلح یا جنگ چنان طراحی و اجرا شود که تأمین‌کننده امنیت ملی کشور باشد و این امر در گرو داشتن نیروهای مسلح قوی است (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۶۷-۶۵). بوزان هم امنیت نظامی را یکی از پنج بخش مهم و به هم پیوسته امنیت ملی به شمار می‌آورد که در آن به «اثرات متقابل توانایی‌های تهاجمی و تدافعی مسلحانه دولت‌ها و نیز برداشت آنها از مقاصد یکدیگر مربوط می‌شود» (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴).

هر استراتژی، اهداف خاصی را تعقیب می‌کند زیرا استراتژی را مجموعه‌ای از انتخاب‌ها تعریف می‌کنند که با توجه به محدودیت‌ها و امکانات جهان واقع به قصد نایل شدن به اهداف ترسیم شده در سطح واحد تحلیل (فرد، گروه، سازمان یا ملی) تدارک می‌شوند. در نتیجه یک استراتژی: اهداف خاصی را دنبال می‌کند، به محدودرات و موانع موجود توجه دارد، به امکانات و مقدرات موجود توجه دارد. بر این اساس، استراتژی ملی نیز مجموعه‌ای از انتخاب‌های ملی است که با توجه به محدودیت‌ها و امکانات ملی به قصد نایل شدن به اهداف ملی تدارک دیده می‌شوند. وجه ممیز «استراتژی ملی» از دیگر انواع استراتژی، تمرکز آن بر «اهداف ملی» است (علینقی، ۱۳۸۱: ۳۲۷-۳۲۶).

به تعبیر ای اف. ارگانسکی^۱ «هدف هر شخص یا ملت عبارت است از تصور آینده امری که مطلوب نهایی به درجه‌ای که حاضر باشد قسمتی از نیروی خود را در راه عملی ساختن آن صرف نماید (ارگانسکی، ۱۳۵۵: ۶۹).

از این دیدگاه، حفظ بقا و ماندگاری یک کشور در سطح منطقه‌ای و جهانی، نیازمند توجه به مقوله دفاع و دارا بودن نیروی نظامی حرفه‌ای و آموزش‌دیده است. زیرا، اجرای هرگونه

^۱. Abramo Fimo Kenneth Organski

فعالیت در ابعاد گوناگون و به طور کلی پیشرفت و توسعه کشور، در پرتو حفظ امنیت ملی حاصل می‌شود (جعفری، ۱۳۹۵: ۱۵۳). امنیت در یک کشور، زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که آن کشور قادر به دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی و تمامیت ارضی خود باشد. به این دلیل، نیروهای مسلح به طور کلی و ارتش به طور خاص یکی از مهم‌ترین شیوه‌های حراست از امنیت ملی هر کشور به شمار می‌آید. دولت‌ها موظف هستند با به کارگیری روش‌های مختلف از جمله دیپلماسی دفاعی، بسترهای لازم را برای تقویت توان نظامی کشور مهیا سازند.

۲. استراتژی‌های امنیت ملی در دهه اول پس از پیروزی انقلاب

محمدجواد لاریجانی، که نقش مهمی برای مفهوم «اهداف حیاتی نظام» در تعریف استراتژی ملی در نظر می‌گیرد، در توضیح اهداف حیاتی نظام به عنوان سرچشمه تمام مسائل مربوط به استراتژی ملی کشور به سه هدف اشاره می‌کند: ۱. موقعیت ایران در جهان اسلام (ایران ام‌القرای)؛ ۲. امنیت ایران (دفاع مؤثر)؛ ۳. آبادی ایران (توسعه) (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۳۹ و ۴۵). از این دیدگاه، امنیت ملی در زمره مهم‌ترین اهداف حیاتی نظام اسلامی به شمار می‌آید.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در عصر پهلوی دوم، امنیت ملی کشور صرفاً به مدل‌های سخت‌افزاری دلالت داشت. امنیت و قدرت مترادف نظامی‌گری تعریف می‌شدند و نوعی توهم «امنیت مطلق» بر ساختار نظام امنیتی سایه افکنده بود و زیر سایه یکی از دو قدرت بزرگ (آمریکا) ادعای ژاندارامی منطقه را داشت (مظاهری و ملایی، ۱۳۹۲: ۱۳۴). اما، محیط برآمده از انقلاب یا از منظر دیگر، محیطی که انقلاب در آن روییدن گرفت، محیطی کاملاً ایدئولوژیک بود. ایستارها و هنجارهای ارزشی همه چیز را در خود مجذوب کرده بودند. شکل‌بندی اجتماعی دگرگون شده بود. «خود» و «دگر» تعریفی بس متفاوت پیدا کرده بودند. سویه‌های کارکردی نظام (در عرصه درون و برون) اهدافی انقلابی را نشانه رفته بودند. مرزهای جغرفیایی جای خود را به مرزهای ایدئولوژیک داد بودند. هویت اسلامی جایگزین هویت ملی شده بود. ملت‌ها بر جایگاه و منزلت دولت‌ها تکیه زده بودند. «نه» بزرگ انقلاب، موازنه منفی بین دو ابرقدرت مسلط جهانی ایجاد کرده بود. تمام زنجیره‌های دفاعی-امنیتی (در قالب پیمان‌های سنتو و پیمان نظامی دوجانبه با آمریکا) گسسته شده بودند؛ و امنیت ملی «امنیتی آرمانی» تعریف شده بود.

به این ترتیب، با وقوع انقلاب اسلامی الگو و گفتمان امنیتی جدیدی در ایران شکل گرفت که در تمایز کامل با الگوی امنیتی پیش از انقلاب قرار داشت. در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بسته به شرایط و اوضاع کشور، دو الگوی استراتژی امنیت ملی در سیاست‌های کشور اعمال گردید: یک. از پیروزی انقلاب در بهمن ۵۷ تا شروع جنگ تحمیلی در شهریور

۱۳۵۹ که شاهد الگوی بسط‌محور هستیم؛ دو. از شروع تا پایان جنگ در مرداد ۱۳۶۷، الگوی امنیتی حفظ‌محور بر کشور حاکم بود.

به این ترتیب، گفتمان بسط‌محور هم‌زمان با پیروزی انقلاب مطرح می‌شود. این الگو حاصل دیدگاه‌ها و عملکرد انقلابیون مذهبی می‌باشد که با وارد کردن معیارهای ایدئولوژیک در ملاحظات امنیتی، بر مرزهای ایدئولوژیک به جای مرزهای جغرافیایی تأکید داشتند و هدف استراتژیک آنها گسترش و صدور انقلاب است (خلیلی، ۱۳۸۷: ۳۸۱). این الگو از سطح توجه به حوزه ضروریات که شامل امنیت اولیه نظام است گذشته و پای در حوزه اصالت‌ها می‌گذارد و تفسیر بسیار وسیعی از امنیت را در نظر دارد؛ به شکلی که حریم امنیتی ایران دارای ابعادی عمدتاً فراملی و وسیع است و دیگر صرفاً معطوف به منافع و امنیت ملی و هماهنگ با آن دانسته می‌شود، اما پیوند دهنده امنیت ایران با امنیت کل جهان اسلام است (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۳: ۴۹-۵۷). به نحوی که امنیت ملی در راستای امنیت امت قرار داده می‌شود. بر این اساس، برخی بر این باورند که در دوره امنیت ملی بسط‌محور اصولاً نمی‌توان از امنیت ملی بحث کرد، بلکه در این دوره اولویت اصلی، امنیت جهان اسلام است (رنجبر، ۱۳۷۹: ۶۶). «حفظ» انقلاب را در گرو «بسط» آرمان‌های انقلابی می‌دانست. مرکز ثقل این الگوی امنیتی، پاسداری از «ارزش‌ها»ی انقلابی بود. به ارزش‌ها نیز کاملاً از منظر ایدئولوژیک نگریسته می‌شد.

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در عمل تأثیر دوگانه‌ای بر مفهوم امنیت ملی کشور گذاشت. از یک سو، این جنگ و مبارزه برای نجات کیهن کاملاً با علایق مذهبی مردم درآمیخته شد و به این صورت بر ماهیت ایدئولوژیک نظام تأثیر عمیقی نهاد و از سوی دیگر، مقابله با تهاجمات نیروهای عراقی به ناچار ذهنیت انقلابیون را در مورد بسیاری از عناصر تشکیل‌دهنده قدرت که عوامل تأمین‌کننده امنیت ملی تلقی می‌شوند، دچار تحول ساخت. به عبارت دیگر، در طول جنگ مشخص شد که ضروریات جامعه (که امنیت فیزیکی نظام نیز جزء آن است) نیز باید همگام با اصالت‌های آن مورد توجه قرار گیرند (ولی‌پور زرومی، ۱۳۷۷: ۷۰).

حمله نظامی گسترده عراق به جمهوری اسلامی ایران «بقا و امنیت ملی» را در اولویت نخست اهداف ملی کشور قرار داد. زیرا، تهاجم و تجاوز نظامی خارجی بارزترین و رایج‌ترین تهدید علیه بقا و امنیت ملی است. بنابراین، استراتژی امنیت ملی بر حسب سه ارزش حیاتی جمهوری اسلامی ایران تعریف شد، که عبارت بودند از: حیات و امنیت جان و مال مردم ایران در برابر تجاوز، بقا و حفظ نظام اسلامی، و بقای انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۳۴۶). با حمله گسترده عراق به ایران، زندگی و حیات مردم در معرض

خطر جدی قرار گرفت و از سوی دیگر، بقا و ادامه حیات حکومت تازه تأسیس انقلابی نیز به شدت در معرض خطر قرار گرفت. زیرا حکومت بعث عراق هدف اصلی خود را از جنگ سرنگونی جمهوری اسلامی اعلام کرد. برای نمونه طه یاسین رمضان معاون نخست وزیر عراق در دی ۱۳۶۰ گفت که مهم‌ترین هدف جنگ سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است که تهدیدی علیه عراق به شمار می‌آید (جوادی‌پور، ۱۳۷۲: ۴۱). از این‌رو، صیانت از نظام جمهوری اسلامی به صورت مهم‌ترین هدف مرجع امنیت ملی درآمد، به نحوی که امام خمینی، حفظ حکومت اسلامی را که «یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمامی احکام فرعی، حتی نماز روزه و حج است» (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۳۴۶) از اوجب واجبات شمرند.

۳. ارتش و جایگاه آن در استراتژی‌های امنیتی ملی دهه اول انقلاب

در شرایط مشخص اقتصادی، جمعیتی و تکنیکی، ارتش به عنوان یک سازمان اجتماعی به وجود می‌آید و شرایط سیاسی حاکم بر جامعه به اهداف و مقاصد آن شکل می‌دهد. پیدایش ارتش و کارایی و شایستگی آن بسیار تحت تأثیر ساخت سیاسی حاکم و میزان پیشرفت تکنولوژی تسلیحاتی است (ازغندی، ۱۳۹۲: ۱۷). ارتش و نیروهای نظامی، وظیفه تأمین امنیت و پاسداری از نظام سیاسی موجود را بر عهده دارند. ارتش، به عنوان مهم‌ترین نیروی نظامی هر کشور به دلیل دارا بودن برخی خصلت‌ها و ویژگی‌ها، از جمله فرماندهی متمرکز، ترتیبات سلسله‌مراتبی قدرت و انضباط آهنین و دارا بودن یک شبکه ارتباطی نیرومند، روحیه همبستگی و احساس یکپارچگی، غالباً وفادارترین سازمان اجتماعی درون یک کشور نسبت به نظام سیاسی مستقر است. از این‌رو، به هنگام دگرگونی‌های سیاسی چون انقلاب‌ها، ارتش به دلیل سلسله‌مراتب و انضباط سازمانی و وفاداری شدید به رژیم پیش از انقلاب معمولاً آخرین سنگر آن رژیم در برابر انقلابیون به شمار می‌آید و به محض تسلیم و اعلام بی‌طرفی آن، انقلاب اعلام پیروزی خواهد کرد.

۳-۱. ارتش در دوره استراتژی امنیت بسط‌محور: انحلال یا استمرار

ارتش شاهنشاهی ایران در نظام پاتریمونیال پهلوی، به صورت چشم و گوش بسته، اطاعت و فرمانبر از مافوق را بدون چون و چرا وظیفه خود می‌دانست. از این جهت ارتش به صورت سلسله‌مراتبی به شاه متصل می‌شد و تحت فرمان او بود. بر اساس اصل وفاداری دستورات و برنامه‌های ارتش از شاه گرفته می‌شد و بر اساس آن عمل می‌کرد. چنین سیستمی وفاداری‌ای در نتیجه تبلیغات وسیع رژیم (خواندن دعای دسته‌جمعی صبحگاهی برای سلامتی و بقای شاه، یا طرح شعار خدا، شاه، میهن) (محمدی، ۱۳۷۰: ۷۷) و البته پرداخت پادشاه به نظامیان به وجود

آمده بود (لطفیان، ۱۳۸۰: ۳۲۳). ارتش کاملاً به شاه وابسته بود. فرهنگ و روابط استبدادی و خودکامگی شاه، آنچنان ارتش را مطیع و دنباله‌رو کرده بود که در غیاب شاه انکان تصمیم و عمل مستقل و منسجم از سوی آن کاملاً منتفی بود. شاه برای ارتش به منزله یک کشور بود (هایزر، ۱۳۶۵: ۳۴). این درجه از وفاداری و سرسپردگی سبب شد که سران ارتش تا حد امکان در برابر انقلاب تسلیم نشوند و تنها زمانی که احساس کردند انقلاب در مسیر غیرقابل بازگشت قرار گرفته است، اعلام بی‌طرفی کردند. رهبر انقلاب، پیش از پیروزی انقلاب همواره کوشش می‌کرد میان ارتش و شاه تفکیک ایجاد کند در پیام‌های خود از مردم می‌خواست که به ارتش اهانت نوزند و آنها را مورد حمله قرار ندهند و در مقابل از ارتش هم می‌خواست روحیه وابستگی به شخص شاه و آمریکا را کنار گذاشته و دست از کشتار مردم بردارند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۴۷۸). امام به مردم توصیه می‌کرد از ارتشیان آزاده و غیروابسته استقبال کنند «ملت ایران موظف است که به درجه‌داران و افسران و صاحب‌منصبان شریف احترام بگذارند. باید توجه داشته باشند که چند نفر ارتشی خائن نمی‌توانند اکثریت ارتش را آلوده کنند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۲۳۳). این رویکرد مسالمت‌آمیز رهبر انقلاب نقش مهمی در از هم گسسته شدن انضباط و فرمانبرداری بدنه ارتش نسبت به دستورات مافوق و نهایتاً اعلام بی‌طرفی آن داشت.

خصلت انقلاب این‌گونه است که در مرحله نخست پس از پیروزی بر هم می‌ریزد، پایه‌های قدرت و نهادهای نگاه‌دارنده رژیم پیش از انقلاب را در هم می‌کوبد و در مرحله دوم می‌کوشد با همیاری نیروهای اجتماعی که انقلاب را به ثمر رسانده‌اند (نیروهای انقلاب) بر روی ویرانه‌های سیاسی نظام کهن، ساختار اجتماعی جدیدی بنیان بگذارند. همین روند در انقلاب اسلامی نیز به چشم می‌خورد. پس از پیروزی انقلاب، ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی امنیتی وابسته به رژیم پهلوی از هم پاشید و انقلابیون از فردای پیروزی انقلاب کوشش کردند ساختار و نهادهای انقلابی را جایگزین ساختار گذشته سازند.

در آغاز انقلاب، دولت موقت در برخورد با ارتش از دو جهت تحت فشار شدید قرار گرفت. از یک جهت گروه‌های سیاسی چپ‌گرا خواستار انحلال کلی ارتش بودند. سازمان چریک‌های فدایی خلقو سازمان مجاهدین خلق تقاضای انحلال ارتش و سپردن سلاح‌های نظامی به مردم را مطرح ساختند (کیهان، ۲۹ بهمن ۱۳۵۷). از سوی دیگر، نیروها و نهادهای تازه تأسیس انقلابی نیز خواستار تصفیه‌های عمیق و کلی در ساختار ارتش کردند. آنها نیروهای ارتش را مظهر سرکوب‌های سیاسی و عملیات‌های خرابکارانه می‌دانستند. با پافشاری آنها، بسیاری از فرماندهان عالی‌رتبه و گاه فرماندهان میانی ارتش دستگیر و اعدام شدند (فوزی

تویسرکانی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۰۰). تلاش گسترده دولت موقت آن بود که ارتش و ساختار آن را با انقلاب و جمهوری اسلامی هماهنگ نماید و ارتش که قبل از انقلاب وابسته به یک فرد بود را در خدمت انقلاب و ملت قرار دهد.

موضع دولت موقت در حفظ ارتش و اصلاح درونی آن، به شدت از حمایت امام خمینی نیز برخوردار بود و ایشان نیز در سخنان خود موضوع انحلال ارتش را یک توطئه توصیف کردند. امام خمینی که متوجه اهمیت ارتش و لزوم حفظ آن در شرایط اول انقلاب شده بود، به حمایت از ارتش برخاسته و از انحلال آن جلوگیری کردند. ایشان در ۱۰ اسفند ۱۳۵۷، در مدرسه فیضیه قم اظهار داشتند «تضعیف ارتش، تضعیف اسلام است. تضعیف نکنید. البته تصفیه می‌شود، لکن همه خیانتکار نیستند ... آنها که می‌گویند. شما باید اینها را تضعیف کنید و یا تبلیغات می‌کنند که موجب تضعیف است، آنها خائن‌اند». امام خمینی در پیام رادیو و تلویزیونی به مناسبت سال نو در اول فروردین ۱۳۵۸ بیان داشتند: «ملت ما موظف است که از ارتش آلان حمایت بکند. ارتش را تضعیف نکنید. ما احتیاج به ارتش داریم. ملت احتیاج به ارتش دارد. ارتش باید از طرف ملت حمایت بشود و تقویت بشود» (امام خمینی، ۱۳۶۲: ۱۰۲-۱۰۱).

امام خمینی برای تثبیت موجودیت ارتش در نظام جمهوری اسلامی در فروردین ۱۳۵۸ (درحالی که حدود یک سال از تأسیس سپاه پاسداران گذشته بود)، روز ۲۹ فروردین را روز ارتش نام‌گذاری کرد و در فرمان خود تصریح نمودند:

ارتش محترم در این روز در شهرستان‌های بزرگ با ساز و برگ به رژه بپردازند ... ملت ایران موظفند از ارتش اسلامی استقبال کنند و احترام برادرانه از آنان نمایند. اکنون ارتش در خدمت اسلام است و ارتش اسلامی است و ملت شریف لازم است مخالفت با ارتش اسلامی که حافظ استقلال و نگهبان مرزهای آن است جایز نیست (پارسادوست‌دوست، ۱۳۸۵: ۳۴۴).

این اعلام حمایت‌ها و پشتیبانی رهبر انقلاب و دولت موقت از ارتش نشانهٔ هجمه سنگین انقلابیون رادیکال (بویژه چپ‌ها) علیه این نهاد نظامی بود که البته با پاکسازی گسترده آن همراه شد.

در آن جوّ بی‌اعتمادی که نسبت به ارتش پدید آمده بود، به منظور مقابله با اقدامات نظامی گروه‌های سیاسی، مدعیان مسائل قومی، تجزیه‌طلبان و آشوبگرانی که در گوشه و کنار سربرآوردند، انقلاب و نظام سیاسی جدید ناچار از تدارک تمهیداتی بود. در ۲ اسفند ۱۳۵۷، معاون نخست‌وزیر اعلام کرد که به تصمیم هیئت دولت، سپاه پاسداران تشکیل می‌شود. با تأکید در نهایت، امام خمینی در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸، فرمان تشکیل سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی زیر نظر شورای انقلاب را به طور قطعی و علنی صادر نمود (فوزی تویسرکانی، ۱۳۹۲: ۲۱۴-۲۱۳). هدف از تشکیل سپاه پاسداران ایجاد یک نیروی مسلح مورد اعتماد نظام جمهوری اسلامی بود و شایعه انحلال ارتش یا ادغام آن در سپاه پاسداران نیز قوت گرفت که با تأکید و تصریح امام خمینی این مسائل برای همیشه پایان گرفت.

در ۲۴ مهر ۱۳۵۸، شورای انقلاب تصویب نمود اداره سیاسی - عقیدتی در ارتش تشکیل شود. امام خمینی طبق حکم مورخ ۲۲ فروردین ۱۳۶۰ حجت‌الاسلام غلامرضا صفایی را به ریاست آن اداره منصوب کردند. در آن حکم تصریح شده بود وظیفه این اداره «مکتبی کردن ارتش در تمام زمینه‌ها و قسمت‌ها در حوزه مسئولیت خویش» است (پارسادوست، ۱۳۸۵: ۳۴۸). در مقدمه قانون اساسی سال ۱۳۵۸ جمهوری اسلامی نیز زیر عنوان «ارتش مکتبی» تأکید شده بود «در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد. بدین جهت، ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف فوق شکل داده می‌شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها، بلکه با رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود» (قانون اساسی جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱: ۷). به این ترتیب، با پاکسازی صورت گرفته و ایجاد اداره سیاسی - عقیدتی به تدریج ارتش معیار و مورد نظر انقلابیون در حال شکل‌گیری بود.

به‌رغم تمام خسارت‌ها و آسیب‌هایی که به بدنه ارتش وارد شده و هر روز خبرهای ناگواری درباره برخورد با سران و افسران ارتش به گوش می‌رسید، اما به پشتگرمی پیام حمایتی امام خمینی و روحیه سربازی وطن، درحالی که هنوز یک ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود، با شروع شورش‌های مسلحانه نیروهای ضدانقلاب و تجزیه‌طلب، ارتش و ادار به واکنش شده و لشکرهای ۲۸ و ۶۴ پیاده، تیپ‌های ۳۰ و ۲۳ نیروهای ویژه به طور کامل و بیش از دوسوم لشکر ۱۶ زرهی و یک‌سوم لشکر ۸۱ زرهی همراه با شش گردان پیاده و تعداد دیگری از یگان‌ها با آتشبار توپخانه عازم مأموریت آرام‌سازی مناطق بحران‌زده استان‌های غربی کشور و خوزستان از یک طرف و ترکمن صحرا و بلوچستان از طرف دیگر شدند و از این حیث نقش مهمی در تأمین امنیت ملی کشور در همان سال‌های نخستین پیروزی انقلاب بر عهده داشتند (هیرو، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۶). البته در تمام این موارد نیروهای مردمی و انقلابی نیز همگام با نیروهای ارتش به مقابله با شورش‌های مذکور اقدام کردند.

۲-۳. جایگاه ارتش در تأمین امنیت در دوره استراتژی حفظ‌محور (دوره)

(جنگ)

عراق با توجه به اوضاع نامساعد داخلی ایران، در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ جنگی تمام‌عیار را علیه جمهوری اسلامی به راه انداخت که هشت سال طول کشید. جنگ، انگیزه‌های ملی‌گرایانه انقلابیون را تا حدودی احیا کرد. «تمامیت ارضی» و «حب وطن» (سرزمین مقدس = ام‌القری) وارد استراتژی امنیت ملی کشور شد. جنگ «بسط» را در گرو «حفظ» قرار داد. «حفظ نظام» فریضه‌ای لازم و واجب واجبات شد. جنگ انقلابیون آرمانخواه را به تدافع فراخواند، هرچند کماکان بر تئوری انقلاب مستمر تأکید می‌ورزیدند. جنگ بر باورها نشانده که راه قدس از کربلا می‌گذرد.

بدین ترتیب، تهدید امنیت فیزیکی و نظامی کشور در زمان جنگ تحمیلی سایر ابعاد ملاحظات امنیت ملی نظام را تحت‌شعاع خود قرار داده بود. وجه تمایز استراتژی حفظ‌محور امنیت ملی نسبت به استراتژی بسط‌محور در یک عامل اساسی یعنی «جنگ تحمیلی» قرار داشت. با توجه به مسائل ناشی از جنگ برای ملاحظات امنیتی کشور، دولت جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را باید معطوف به مقابله با پیامدهای امنیتی آن می‌نمود. بدین سبب، حفظ و حراست از تمامیت ارضی کشور و حفظ نظام تازه تأسیس سیاسی در برابر تهدیدهای عینی ناشی از جنگ توجهات نظام را به خود مشغول کرده بود. هرچند خصلت «ایدئولوژیک» در تمام سال‌های دهه نخست انقلاب اسلامی بر ملاحظات امنیت ملی کشور حاکم بود. از این جهت، کوشش شد میان «ارزش‌ها» و «واقعیت‌ها» و بین «هست‌ها» و «بایدها» آشتی برقرار شود. به این دلیل است که برخی در تحلیل مقاطع مختلف جنگ از «چرخه آرمان‌گرایی و واقم-گرایی» صحبت به میان می‌آورند (دهشیری، ۱۳۸۰: ۳۸۰-۳۷۴).

۳-۲-۱. ارتش و تأمین امنیت ملی: عملیات‌های تدافعی (شهریور ۵۹ تا

اردیبهشت ۶۰)

ارتش عراق در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با حمله هوایی به ۱۰ فرودگاه ایران جنگ را آغاز کرد و روز بعد حمله زمینی خود را در سه جبهه به طول ۵۵۰ کیلومتر از مرز طولانی دو کشور آغاز کرد. جمهوری اسلامی ایران باور نداشت که عراق قصد جنگ با ایران را داشته باشد، بنابراین، قبل از شروع جنگ، راهبرد خاصی برای دفاع از کشور مشخص نکرده بود. با شروع جنگ اقدامات ایران در برابر تهاجم ارتش عراق، «واکنشی» و «انفعالی» بود. اما پس از گذشت چند روز از شروع جنگ، دولت جمهوری اسلامی ایران آرام آرام برای مقابله با ارتش متجاوز عراق چاره‌اندیشی کرد و در آغاز جنگ، یک «راهبرد تدافعی» در برابر راهبرد تهاجمی عراق جهت تأمین امنیت ملی کشور اتخاذ نمود. تمرکز راهبرد نظامی جمهوری اسلامی در سال نخست جنگ، جلوگیری از پیشروی ارتش عراق و متوقف و زمین‌گیر کردن قوای زرهی و پیاده‌نظام عراق و سپس بیرون راندن و اخراج ارتش متجاوز از خاک کشور بود. هرچند محسن

رضایی، فرمانده وقت سپاه پاسداران، بر این باور است که «در سال نخست جنگ، راهبرد نظامی نداشتیم» (علایی، ۱۴۰۰: ۶۲).

از همان آغاز جنگ، استراتژی ارتش جمهوری اسلامی، به‌رغم تمام آسیب‌هایی که پس از انقلاب به آن وارد شده بود (تصفیه و پاکسازی، کاهش مدت خدمت نظام وظیفه به یک سال، فقدان رزمایش‌های نظامی و ...) برای مقابله با حملات ارتش عراق، حفظ تمامیت ارضی و تأمین امنیت ملی کشور، راهبرد انجام عملیات‌های منظم با طرح‌ریزی کلاسیک بود. در شش ماه نخست جنگ، تقریباً کنترل جبهه‌ها در اختیار ارتش بود و در تقابل مستقیم با پیشروی‌های تجاوزگران در روزهای اول جنگ نقش مهمی ایفا کردند (حسینیا، ۱۳۹۵: ۱). پس از هجوم عراق به نقاط مختلف ایران، نیروی هوایی ارتش، طی «عملیات کمان ۹۹» در روز یک مهر ۱۳۵۹، با ۱۴۰ فروند جنگنده به وارد عمق استراتژیک عراق شده و ضمن نشان دادن قدرت تهاجمی ارتش جمهوری اسلامی، با انهدام تأسیسات حیاتی و مراکز پشتیبانی عملیات نظامی دشمن، سازمان رزمی ارتش عراق را با چالش جدی مواجه کردند و توان لجستیکی و آفندی خود را به رخ دشمن متجاوز کشیدند (داوری و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۷۰). پس از اقدام اولیه نیروی هوایی ارتش، نیروی زمینی ارتش نیز در روز ۱۳ مهر ۱۳۵۹، قرارگاه مقدم نیروی زمینی را در منطقه خوزستان تشکیل داد.

سرلشکر ولی‌الله فلاحتی رئیس ستاد وقت ارتش، استراتژی امنیتی جنگ را پس از تهاجم گسترده ارتش عراق چنین بیان می‌دارد: «مرحله اول: یک خصوصیت مثبت ارتش ما، حفظ خونسردی و خویشن‌داری ارتش بود. ما دو یا سه روز بعد از آغاز عملیات یک سری عملیات هوایی را علیه عراق اقدام کردیم. در عملیات زمینی سعی کردیم از شدت تعرض عراق بکاهیم و موفق شدیم که در یک سری از عوارض زمین که مطلوب نظر ماست، دشمن را متوقف کنیم. ارتش عراق از نظر آموزش، تاکتیک، تجهیزات و لجستیک پنج برابر ما بود. این نسبت یک‌به‌پنج را با فداکاری و ابتکار پشتیبانی ملت ایران و مقداری تأمین جنگ‌افزارها جبران و موفق شدیم ارتش عراق را در یک خط متوقف کنیم. مرحله دوم: بایستی به یک برتری نسبی رزمی می‌رسیدیم و مرحله سوم: تعرض؛ البته تعرض آن‌طور که ما می‌خواستیم و مردم انتظار داشتند ممکن نبود» (حسینیا، ۱۳۹۴: ۲۸۴). دلیل این امر نیز کمبود جنگ‌افزار و قطعات یدکی از یک سو و کمبود نیروی نظامی از سوی دیگر بود. بنابراین، تصمیم گرفته شد به جای یک رویارویی متقابل عمومی با ارتش عراق، به «به‌تعرضات موضعی، موقتی، مکانی و کوچک» اکتفا کنند. هدف نهایی این عملیات‌ها تدافعی، متوقف کردن ماشین جنگی دشمن از پیشروی بیشتر بود. تمام کوشش‌های ستاد فرماندهی ارتش در شش ماهه نخست جنگ آن بود که مانع از سقوط شهرهای آبادان و سپس اهواز بود. بخصوص پس از سقوط خرمشهر، حفظ آبادان

مورد توجه قرار گرفته بود که نیروهای ارتش به کمک نیروهای مردم موفق به این کار شدند و با چند عملیات محدود نیروهای متجاوز را از موضع پیشروی وادار به توقف و موضع پدافندی کردند که دستاور مهمی در مسیر تأمین امنیت و حفظ تمامیت ارضی کشور به شمار می‌آمد.

۲-۲-۳. تأمین امنیت ملی از طریق عملیات مشترک ارتش و سپاه: آزادسازی

مناطق اشغالی (اردیبهشت ۱۳۶۰ تا خرداد ۱۳۶۱)

پس از آن که ارتش جمهوری اسلامی به کمک نیروهای مردمی، توانست ارتش متجاوز عراق را مجبور به توقف در مواضع اشغالی خود کند، در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۰، اولین طرح تک منطقه‌ای خود را در آبادان به اجرا درآوردند (عملیات دارخوین) که با موفقیت همه‌جانبه نیروهای ایران همراه بود. در واقع، این تک محدود، اولین عملیات مشترک نیروهای سپاه و ارتش بود که ستاد لشکر در طراحی و لجستیک آن بسیار دقیق عمل کرد (حسینیا، ۱۳۹۵: ۲۵). پس از تک موفق دارخوین، تا پایان سال نخست جنگ تحمیلی چند تک محدود دیگر نیز عملیاتی و اجرا شد تا زمینه برای اجرای اولین عملیات بزرگ (ثامن‌الأئمه: شکست حصر آبادان) فراهم آید.

پس از عملیات موفق دارخوین و انجام چند تک محدود دیگر، در مهر ۱۳۶۰ زمینه برای اجرای اولین عملیات بزرگ، ثامن‌الأئمه برای شکست حصر آبادان، فراهم گردید. هدف ارتش جمهوری اسلامی ایران از انجام تک‌های محدود که اغلب در منطقه خوزستان صورت می‌گرفت، اجرای گام نخست عملیات پدافندی یعنی ثابت نگاه داشتن و توقف دشمن در همان مناطق اشغالی و سپس از میان بردن روحیه آفندی و تضعیف روحیه و قدرت حمله دشمن بود تا زمینه برای اجرای گام دوم پیروزی یعنی اجرای عملیات بزرگ آفندی فراهم آید. بر این مبنا، اولین عملیات بزرگ و موفقیت‌آمیز در پنج مهر ۱۳۶۰ تحت عنوان «عملیات ثامن‌الأئمه» اجرا شد که در نتیجه آن حصر آبادان شکسته شد، و این یک پیروزی بزرگ در جهت حفظ امنیت ملی، تمامیت ارضی و نگاهداشت نظام تازه‌تأسیس سیاسی بود.

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی با وجود آسیب‌های جدی که در نتیجه کشف کودتای نقاب (تیر ۱۳۵۹) و پاکسازی درونی آن صورت گرفته بود، تا رسیدن یگان‌های نیروی زمینی و آماده شدن بسترهای لازم برای حضور مدافعان مردمی در جبهه‌های جنگ، با انجام چندین سورتی پرواز رزمی، تا حدود زیادی ماشین زرهی ارتش بعث را متوقف ساخته بود. علاوه بر این، نیروی هوایی ارتش، به هنگام عملیات‌های بزرگ با پروازهای رزمی، شناسایی، پوشش مسلحانه هوایی، حمایت نزدیک هوایی و ترابری هوایی، ضمن منهدم ساختن زیرساخت‌های نظامی دشمن و ایجاد امنیت فضای نبرد، ضربات سهمگینی بر پیکر ارتش عراق وارد ساخت (حسینی و جوادی‌پور، ۱۳۹۵: ۲۰۱). با انتصاب شهید صیاد شیرازی به فرماندهی

نیروی زمینی ارتش، زمینه وحدت بین نیروهای ارتش و سپاه فراهم آمد و برای اجرای عملیات‌های مشترک طرح‌ریزی‌های دقیق صورت گرفت. نخستین عملیات در هشت آذر ۱۳۶۰ با نام «طریق‌القدس» آغاز شد و پس از ۸ روز نبرد سنگین با پیروزی کامل ارتش ایران پایان یافت. نتیجه عملیات آزاد سازی شهر بستان بود (جعفری، ۱۳۹۸: ۶۶). پس از دو عملیات مشترک ارتش و سپاه در سال ۱۳۶۰ و تقویت روحیه نیروهای ایران زمینه برای عملیات‌های بعدی فراهم شد و برای این منظور قرارگاه عملیاتی مشترک ارتش و سپاه تحت عنوان « کربلای ۲» در جنوب فعالیت خود را آغاز کرد (شاهین‌راد، ۱۳۸۲: ۴-۳). نخستین عملیات طراحی شده در قرارگاه کربلای ۲، عملیات موفقیت‌آمیز فتح‌المبین در ۲ فروردین ۱۳۶۱ در منطقه غرب کرخه بود که آن را مقدمه آزادسازی خرمشهر به شمار می‌آورند.

در نهایت عملیات آفندی بیت‌المقدس که با شرکت یگان‌های عمده سپاه و بسیج و جهاد سازندگی از یک سو و پشتیبانی نیروی هوایی و دریایی ارتش از سوی دیگر در تاریخ دهم اردیبهشت آغاز و تا چهار خرداد ۱۳۶۱ به مدت ۲۶ روز در جنوب غرب اهواز صورت گرفت، بدون تردید درخشان‌ترین کارنامه عملیاتی ارتش و سپاه علیه ارتش متجاوز عراق و تأمین امنیت ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور به شمار می‌آید که علاوه بر پایان دادن به ۱۹ ماه اشغال نظامی قسمتی از نقاط خوزستان، ضربه‌ای سهمگین بر نیروهای متجاوز عراق وارد آورد (کلانتری و پورشاسب، ۱۴۰۱: ۲۳۳).

بدین ترتیب، با حمله نظامی عراق به ایران، حفظ بقا و امنیت ملی در اولویت نخست اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گرفت و تا پیش از آماده شدن بسترهای لازم برای ورود نیروهای مردم و یگان‌ها سپاه، ارتش جمهوری اسلامی به واسطه وظیفه ذاتی خود با اتخاذ رویکردهای نظامی مختلف و کارآمد نقش مهمی در توقف نیروهای متجاوز و سپس اقدام در جهت آزادسازی مناطق اشغالی و بیرون راندن دشمن از مرزهای بین‌المللی کشور برعهده داشت. وظیفه‌ای که پس از آزادسازی خرمشهر و دیگر مناطق اشغالی تا پایان جنگ تحمیلی در مرداد ۱۳۶۷ ادامه پیدا کرد.

۳-۲-۳. نقش راهبردی ارتش در تأمین دیگر ابعاد (سیاسی، اقتصادی،

اجتماعی) امنیت ملی در دهه اول انقلاب

علاوه بر امنیت نظامی، ارتش جمهوری اسلامی ایران در ابعاد دیگر امنیت ملی از جمله بعد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در دهه اول انقلاب نقش راهبردی و لجستیکی مهمی برعهده داشت. چنان‌که قدرت و اعتماد به نفس افسران و بدنه ارتش در عملیات‌های مختلف آغندی و پدافندی، نقش مهمی در افزایش قدرت ملی و به تبع آن امنیت ملی کشور داشت. ارتش جمهوری اسلامی، ضمن ایفای نقش خود در تأمین امنیت نظامی در دوران دفاع مقدس،

بر اساس اصول قانون اساسی در حفظ استقلال، تمامیت ارضی کشور و حفظ نظام جمهوری اسلامی با کمک مستقیم و غیرمستقیم در مشارکت سیاسی مردم از طریق کارآمدی بنیه دفاعی کشور و با حضور به موقع و اثرگذار در مقابله با دشمن متجاوز، قدرت چانه‌زنی و دیپلماتیک نظام سیاسی را تقویت می‌کند (عمیدزنجانی، ۱۳۸۶: ۵۶). از این رو، یکی از اثرات حضور قدرتمند ارتش در تأمین امنیت نظامی کشور طی دهه اول انقلاب، اثرگذاری سیاسی در حوزه داخلی و خارجی بود.

علاوه بر این، فعالیت‌های ارتش در دوران جنگ هشت‌ساله با حفظ جریان اقتصادی کشور و ممانعت از شکست، در ایجاد امنیت و دفاع به شکل آفندی و پدافندی و مقابله با دشمن بعثی توسعه پیدا کرد. ارتش در تأمین فیزیکی زیرساخت‌های اقتصادی و حفظ و حراست از منافع اقتصادی و انرژی و مقابله با ناامنی‌ها ایفای نقش اساسی نموده است؛ به نحوی که در این دوره با حمایت و دفاع از منابع اقتصادی و جریان‌های حیاتی کشور و اسکورت ناوگان کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها در خلیج فارس و استمرار صدور نفت و واردات کالاهای اساسی و صنعتی همراه با صیانت از تأسیسات هوایی، نقش حیاتی در تأمین امنیت اقتصادی کشور ایفا نمود. ارتش جمهوری اسلامی با به کارگیری نیروهای وظیفه و کادرهای متخصص در طرح‌های عمرانی و اقتصادی و همچنین با اجرای طرح‌های خودکفایی، وابستگی خود را به خارج کاهش داده و نقش مهمی در صرفه‌جویی اقتصادی کشور برعهده داشت.

ارتش جمهوری اسلامی، در نتیجه تحریم‌های همه‌جانبه کشور در دهه نخست انقلاب برای تأمین امنیت اقتصادی کشور، اقدام به اتخاذ راهبردهای ماندگاری در این حوزه کرد که الهام‌بخش دیگر بخش‌های اقتصادی کشور نیز بوده است. مهندسی معکوس و نهضت قطعه‌سازی جهت خودکفایی در ساخت تانک، موشک و دیگر تسلیحات نظامی، تأمین امنیت آب‌های خلیج فارس برای کشتی‌های تجاری و نفتکش‌های ایران که مانع از فلج شدن عملی اقتصاد کشور شد، ایجاد خودباوری در عرصه نظامی بدون حضور مستشاران خارجی، و در نهایت، ایجاد و تقویت روحیه خودکفایی در جهت تأمین نیازهای ضروری کشور با تولید و ساخت نیازهای مختلف عمومی و تخصصی، نقش مهمی در تأمین امنیت اقتصادی کشور داشت.

نتایج و یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با پیروزی انقلاب اسلامی، یک ارتش به واسطه وابستگی‌های حاکمیتی به رژیم سابق (به واسطه ویژگی‌ها نظم و سلسله‌مراتب و وفاداری) در تنگنای شدیدگی از سوی انقلابیون رادیکال قرار گرفت (تصفیه‌ها و پاکسازی‌های گسترده، کاهش دوره سربازی به یک سال و ...). از این جهت در استراتژی بسط‌محور امنیت ملی کشور در دوره نخست انقلاب (بهمن ۵۷ تا شهریور ۵۹) چندان به نقش ارتش توجهی نشد، هرچند

بقایای ارتش برحسب وظیفه ذاتی خود در تأمین امنیت مناطق آشوب‌زده کشور (کردستان، خوزستان، بلوچستان) و مقابله با نیروهای ضدانقلاب و تجزیه‌طلب طی سال‌های آغازین انقلاب نقش مهمی ایفا کرد؛ دو. با آغاز جنگ تحمیلی در پایان شهریور ۵۹ و دگرگونی در استراتژی امنیت ملی از بسط به حفظ محوی، بر حسب رویکردهای واقع‌گرایانه امنیت نظامی کشور در اولویت قرار گرفت و ارتش با وجود آسیب‌های فراوان که به آن وارد شده بود، در همان روزهای اول جنگ با رویکردی تدافعی ماشین جنگی عراق را در مناطق اشغالی متوقف و مانع از پیشروی آن‌ها شد. در مرحله بعد با رویکردی تهاجمی و همگام با سپاه و نیروهای مردمی، تا تابستان ۱۳۶۱ تمام مناطق اشغالی را آزاد ساخته و نیروهای متجاوز را به پشت مرزهای بین‌المللی راند؛ سه. نهایتاً اینکه با اتخاذ استراتژی‌های نظامی پدافندی و آفندی به موقع، به کارگیری مهندسی معکوس در تأمین قطعات مورد نیاز، تأمین امنیت تجارت دریایی و ... در تأمین دیگر ابعاد امنیت ملی در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی نیز کمک شایان توجهی کردند.

در کل، از پژوهش حاضر این نتیجه حاصل می‌شود که ارتش که در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی نقش‌چندانی در معادلات امنیت ملی کشور نمی‌توانست بازی کند، پس از پاکسازی‌های صورت گرفته و کوشش‌هایی که در جهت مکتبی و انقلابی شدن بدنه آن صورت گرفت با حمایت همه‌جانبه امام خمینی (ره)، بنیانگذار کبیر انقلاب، از موجودیت و کیان آن، در تأمین امنیت ملی کشور، حفظ نظام و تمامیت ارضی کشور نقشی بی‌بدیل و اثرگذار بر عهده داشته است. علاوه بر این، نیروهای سه‌گانه ارتش در همکاری و هماهنگی با نیروهای سپاه پاسداران و به برکت روحیه انقلابی موجود در میان افسران جوان روحیه خودباروی، خوداتکایی و مقابله با تحریم‌های همه‌جانبه دشمن در طول دهه اول انقلاب را به عموم جامعه و حتی برخی از مسئولین سرایت داد و منشأ بسیاری از کارهای عظیم در بخش‌های مختلف اقتصادی بود که مانع از گسیختگی اقتصادی کشور در آن دوران شد. نیروهای ارتش با جانفشانی‌های خود در میدان نبرد و آزادسازی مناطق اشغالی کشور، به توان دیپلماسی دفاعی کشور نیز کمک شایان توجهی نمود، چنان‌که پس از آزادی خرمشهر رفت‌وآمدهای دیپلماتیک برای توقف جنگ و موضع برتر ایران در این زمینه کاملاً نمایان است. بدین ترتیب، ارتش جمهوری اسلامی ایران با وجود تمام تنگناها و کمبودها در تأمین امنیت ملی کشور در دهه نخست انقلاب نقشی کارآمد و اثرگذار داشته است.

منابع و مأخذ:

- ارگانسکی، ای اف. (۱۳۵۵) *سیاست جهانی*. برگردان حسین فرهودی. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۹۲) *ارتش و سیاست*. تهران: قومس.
- امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۲) *در جستجوی راه از کلام امام، دفتر هجدهم: ارتش*. تهران: نشر امیرکبیر.
- امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸) *صحیفه نور: مجموعه آثار امام خمینی (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۲۲ جلدی.
- بوزان، باری. (۱۳۷۸) *مردم، دولت‌ها و هراس*. برگردان گروه مترجمین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوفر، آندره. (۱۳۶۶) *مقدمه‌ای بر استراتژی*. برگردان مسعود کشاورز. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- پارسادوست، منوچهر. (۱۳۸۵) *ما و عراق از گذشته دور تا امروز: تجاوز عراق، پیامدها، پایان جنگ و رویدادهای پس از آن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۷) «شهریور» انتظام در پراکندگی: بحثی در امنیت ملی ایران، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱، ۲: ۱۲۸-۱۱۷.
- تریف، تری و دیگران. (۱۳۸۳) «روابط بین‌الملل و مطالعات امنیت ملی» در «ترجمه و تدوین» اصغر افتخاری، *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جعفری، محمد. (۱۳۹۵) *تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر راهبرد اندیشه.
- جعفری، محمد. (۱۳۹۸) *اطلس نبردهای ماندگار*. تهران: مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس.
- جوادی‌پور، محمد. (۱۳۷۲) *نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس*، ۶ جلد. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش.
- حسینی، سید یعقوب و محمد جوادی‌پور. (۱۳۹۵) *ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، جلد سوم (اشغال خرمشهر و شکستن حصر آبادان)*. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش.
- خلیلی، رضا. (۱۳۸۷) «تبیین تحول امنیتی جمهوری اسلامی ایران؛ در جستجوی چارچوبی تحلیلی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲، ۴۱۱-۳۷۸.
- حسینیا، احمد. (۱۳۹۵) *ناگفته‌های سرلشکر فلاحی در روزهای سرنوشت‌ساز*. تهران: سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- داوری، امین و دیگران. (۱۴۰۰، زمستان) «بررسی نقش ارتش ج.ا. ایران در نخستین سال جنگ در مقابله و تثبیت تجاوز ارتش بعث عراق (جبهه جنوب)»، *فصلنامه علوم و فنون نظامی*، ۱۷، ۵۸.
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۸۰) «چرخه آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست-خارجی*، ۱۵ (۲): ۳۹۷-۳۶۹.
- دهقانی‌فیروزآبادی، جلال‌الدین. (۱۳۸۹) *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: سمت.
- رنجبر، مقصود. (۱۳۷۹) «گفتن‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه علوم سیاسی*، ۹: ۹۱-۶۴.
- سنجایی، علیرضا. (۱۳۷۵) *استراتژی و قدرت‌های نظامی*. تهران: پازنگ.
- شاهین‌راد، فرض‌الله. (۱۳۸۲) *شجاعان نبرد: فرارگاه نصر ۲ در عملیات فتح‌المبین*. تهران: عرشان.
- علایی، حسین. (۱۴۰۰، تابستان) «بررسی و ارزیابی راهبردهای دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی»، *فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس*، ۷ (۲۶): ۷۳-۴۹.
- علیقلی، امیرحسین. (۱۳۸۱، تابستان) «جایگاه امنیت در استراتژی ملی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۵ (۱۶): ۳۳۵-۳۱۹.
- غفوری، محمد. (۱۳۸۱) *آسیب‌شناسی استراتژی‌های امنیتی*. تهران: فارابی.
- فوزی‌تویسرکانی، یحیی. (۱۳۹۲) *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران*. چاپ سوم. تهران: چاپ و نشر عروج، ۲ جلدی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی. (۱۳۶۱) *متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مؤسسه انجام کتاب.
- کالیتز، جان ام. (۱۳۷۳) *استراتژی بزرگ: اصول و رویه‌ها*. برگردان کورش بایندر. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- کلانتری، فتح‌الله و عبدالعلی پورشاسب. (۱۴۰۱، بهار) «راهبردهای تحقق فرماندهی و کنترل آجا در عملیات مشترک»، *فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس*، ۸ (۲۹): ۲۵۰-۲۲۱.
- لاریجانی، محمدجواد. (۱۳۶۹) *مقولاتی در استراتژی ملی*. تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- لطفیان، سعیده. (۱۳۸۰) *ارتش و انقلاب اسلامی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محمدی، منوچهر. (۱۳۷۰) *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۴) *تحول در نظریه‌های روابط بین-الملل*. تهران: انتشارات سمت.
- مظاهری، محمدمهدی و اعظم ملایی. (۱۳۹۲، زمستان) «دولت، هویت و سیاست خارجی در ایران معاصر (۱۳۹۰-۱۳۰۴)»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۲ (۳۷): ۱۴۶-۱۲۵.
- مورگنتا، هانس جی. (۱۳۷۴) *سیاست میان ملت‌ها*. برگردان حمیرا مشیرزاده. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت

امورخارجه.

ولی پور زرومی، سید حسین. (۱۳۷۷) «گفتنمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*. ۱، ۲: ۶۳-۸۱.

ولی پور زرومی، سید حسین. (۱۳۸۳) *گفتنمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.

هابز، توماس. (۱۳۸۹) *لویاتان*، برگردان حسین بشیریه. تهران: نشر نی.

هایزر، رابرت. (۱۳۶۵) *مأموریت مخفی در تهران*. برگردان ع. رشیدی. تهران: نشر اطلاعات.

هیرو، دیلپ. (۱۳۹۰) *طولانی‌ترین جنگ: رویارویی نظامی ایران و عراق*. برگردان علیرضا فرشچی، رضا فریدزاه و سعید کافی. تهران: مرز و بوم.

Berkowitz, Morton and P.C.Bock. (1992) "National Security", in: *Encyclopedia of Government and Politics*, London: Routledge. 777-759.

Keohane, Robert & Joseph Nye. (1977) *Power and Interdependence: World Politics in Transition*. Boston: Brown Company.

Walt, Stephen M. (1987) *The Origins of Alliance*, London: Cornell University press.

•